

عنوان مقاله:

کنکاشی پیرامون فلسفه تومیسم از نظر خاستگاه و ارتباط با آموزش و پرورش قرون وسطایی

محل انتشار:

همایش بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

فریده بهرام - دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته ی تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر وابستگی سازمانی: وزارت آموزش و پرورش

خلاصه مقاله:

تحقیق در مکاتب فلسفی و تاثیر آن در تعلیم و تربیت، از مباحث مهم تاریخ آموزش و پرورش است. فهم فراز و فرود تعلیم و تربیت در نقاط گوناگون جهان و کشف رمز و راز زبایی و ایستایی آن تا حد زیادی در گرو تحلیل این مکاتب است. ریالیسم خداباورانه (واقع گرایی الهی)، یا تومیسم، در قرون وسطی به عنوان فلسفه ای نو صورت بندی شد. این نوع دیدگاه فلسفی از قرن سیزدهم تاکنون به صورت جهان بینی مهمی درآمده که اندیشه غربی را شکل بخشیده است. قرن سیزدهم در تاریخ فرهنگ و تمدن اروپا دوره مهمی است؛ زیرا در این قرن فرهنگ مسیحیت تحت تاثیر دانشگاه های تازه تاسیس که از موسسات آموزش عالی اسلامی متأثر بودند، قرار گرفت؛ و در واقع تا اواخر قرن دوازدهم، اروپا با یک نوع فلسفه یعنی فلسفه افلاطون آشنا بود. بعد از آن بود که اروپاییان از طریق مطالعه آثار علمی و فلسفی علما و حکمای اسلامی به فلسفه ارسطو و اهمیت آن پی بردند. از نتایج این نوشتار، می توان به نقش مهم توماس اکونیا به عنوان فیلسوف ریالیست خداباور در برقراری سازش میان تقدیرالهی و آزادی فردی اشاره کرد. همچنین اعتقاد به گناهکاری ذاتی انسان، نگرش منفی او به زن به عنوان جنس ناقص و موافقتش با نظام برده داری قابل توجه است. در این مقاله سعی بر آن شده تا ضمن بررسی این نوع دیدگاه فلسفی از نظر خاستگاه و مبانی فلسفی و کلامی، استلزامات تربیتی آن نیز معرفی گردد. انجام این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانه ای صورت گرفته است.

کلمات کلیدی:

توماس اکونیا، قرون وسطی، تومیسم، آموزش و پرورش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/729154>

